

## بهرز سورن: همه چیز از آنجا شروع شد که... بخش اول



اینکه فرخ قهرمانی و طیف دوستانش امروز و نه دیروز مهمات باقیمانده خود را علیه من و گزارشگران قطار می کنند و تلافی همه نقدهای دوستانشان و ناکامی های خود را در این جهت سازمان می دهند قطعاً بی دلیل نیست. علت آنهم آنچه نیست که روی صفحات مطالب وی، سیاه دیده میشوند. برای یافتن علل هجوم آنها که با نوشته همایون ایوانی شروع شد بایستی میان سطور سیاه شده و بین سطور را خواند و جستجو کرد و این کار ساده ای نیست بهمین دلیل برمیگردم به سی و اندی سال قبل شاید در حد توانم روشنی بخش دعوائی سیاسی و با سابقه بشوم که در اصل ارتباطی مستقیم با من و سایت گزارشگران ندارد. به تعبیری دیگر

### تلافی غوره رو سر کوزه در میاروند !

فرخ قهرمانی: مشاطه گران انتلاف با سرمایه جهانی: سرگردانی سیاسی یا شانناژ سیاسی سازماندهی شده؟ (بخش یک)

فرخ قهرمانی: مشاطه گران انتلاف با سرمایه جهانی - سرگردانی سیاسی یا شانناژ سیاسی سازماندهی شده؟ (بخش دوم)

.....

[Sooren001@yahoo.de](mailto:Sooren001@yahoo.de)

عرف این است که رسانه هائی که نوشتار فرخ قهرمانی را بدرستی درج کرده اند این گفتار را نیز با مراجعه به وجدان مطبوعاتی منتشر کنند.

نگاهی به انتقادات و کنایه های پر معنی و گاه بی معنای فرخ قهرمانی

ایشان حق دارند که درباره من و گزارشگران اینطور فکر کنند و لال شوم اگر غیر از این بیاندیشم.

این مطلب قصد پاسخگویی به شخص ایشان را ندارد چرا که نظر ایشان دیدگاه یک طیف است، طیفی که از ماهها قبل کشیدن شمشیر از رو را علیه من و سایت گزارشگران در برنامه دارد و من بدنبال پیدا کردن علل حضور این دیدگاه و چرائی های آن هستم.

لازم به توضیح است که آن بخش از نوشتار ایشان که در ارتباط با دادگاه مردمی لندن ( ایران تریبونال ) است ارتباطی به من و گزارشگران ندارد. بارها و مکفی و علنی اعلام کرده ایم که هیچ پیشینه ای با این تجمع قربانیان و خانواده های شرکت کننده در دادگاه

نداشته ایم و تنها ساعاتی بیادماندنی برای تهیه گزارش در محل دادگاه حاضر بوده و گزارشی تهیه و منتشر شده است و در این زمینه خود را به دریافت مجوز از فرخ قهرمانی و طیف گردانندگان و برگزار کنندگان گردهمائی چهارم و بویژه سبزناک های سانسورگر نمایشگاهی آنها و یا هیچ احدی و نهادی ندانسته و نمیدانیم و به حقوق مطبوعاتی و انسانی خود آشنائی کامل داریم. نه بدنبال هوچی گری هستیم و نه بعنوان منبعی آگاه در پی ترور شخصیت افراد هستیم و تلاش داریم تا از سلامت رفتار سیاسی اخلاقی نیز عبور نکنیم.

در ارتباط با دادگاه مردمی لندن ( ایران تریبونال ) شرکت کنندگان و برگزار کنندگان این دادگاه و افراد متعددی پاسخ هائی داشته اند که در آدرس های زیر یافت میشود. تلاش گزارشگران بعنوان یک رسانه این بوده است که تمامی مطالب دریافتی طیف موافقان و مخالفان دادگاه لندن را انعکاس دهد. در این زمینه نیز رعایت آزادی بیان را کرده و به آن احترام گذشته است حال آنکه بارها مطالب ما در رسانه های مخالف منتشر نشده است. این رسانه ها را با ابهاماتشان درباره تعهدشان به عرف مطبوعاتی و آزاد بیان بخود وا میگذاریم.

مصاحبه های تعدادی از زندانیان سیاسی جان بدر برده و خانواده های آنان را میتوان در این آدرس یافت.

<http://radiobarabari.com/archive.php>

گزارش مالی ایران تریبونال

<http://www.irantribunal.com/ASNAD/Gozaresh-Kar-Mali.html>

نوشتار آقای مصداقی

<http://www.irajmesdaghi.com/maghaleh-446.html>

بهرام رحمانی – گفتگوی گزارشگران

[http://gozareshgar.com/10.html?&tx\\_ttnews\[backPid\]=17&tx\\_ttnews\[tt\\_news\]=17724&cHash=9a5a2d519c3d8e396f97b6e18141cf9f](http://gozareshgar.com/10.html?&tx_ttnews[backPid]=17&tx_ttnews[tt_news]=17724&cHash=9a5a2d519c3d8e396f97b6e18141cf9f)

پویان انصاری

[http://gozareshgar.com/10.html?&tx\\_ttnews\[backPid\]=17&tx\\_ttnews\[tt\\_news\]=17997&cHash=e7f49af7de4b4998e1f08b47b485acfc](http://gozareshgar.com/10.html?&tx_ttnews[backPid]=17&tx_ttnews[tt_news]=17997&cHash=e7f49af7de4b4998e1f08b47b485acfc)

بهرام رحمانی

.....و

اینکه فرخ قهرمانی و طیف دوستانش امروز و نه دیروز مهمات باقیمانده خود را علیه من و گزارشگران قطار می کنند و تلافی همه نقدهای دوستانشان و ناکامی های خود را در این جهت سازمان می دهند قطعاً بی دلیل نیست. علت آنهم آنچیز نیست که روی صفحات مطالب وی، سیاه دیده میشوند. برای یافتن علل هجوم آنها که با نوشته همایون ایوانی شروع شد بایستی میان سطور سیاه شده و بین سطور را خواند و جستجو کرد و این کار ساده ای نیست بهمین دلیل برمیگردم به سی و اندی سال قبل شاید در حد توانم روشنی بخش دعوائی سیاسی و با سابقه بشوم که در اصل ارتباطی مستقیم با من و سایت گزارشگران ندارد. به تعبیری دیگر

### **تلافی غوره رو سر کوزه در میاروند !**

اینکه در چهار گردهمائی پیاپی این طیف شرکت نکردم خود گویای آنست که دخالتی نیز در این مراسم طیفی - خودی ها درمخيله ام نبوده است. لازم به یادآوری است که همواره حمایت و تبلیغات گزارشگران همیشه در امتداد تدارک برگزاری گردهمائی ها یاری رسان این طیف بوده است. این نکته هم قابل توجه است که گزارشگران در دفاع از زندانیان سیاسی تا کنون و حتی مدتها پیش از شکل گیری این طیف، بیشترین تلاش ها را صرف نظر از رنگ و روی طیف های مختلف سیاسی در اپوزیسیون انجام داده است. به مقوله زندانی سیاسی به معنای عام کلمه و نه صرفاً طیفی نظر داشته است و بهمین دلیل در این گردهمائی ها شرکت مستقیم و دخالت نکرده است علیرغم اینکه دوستانی از میان برگزارکنندگان پیشنهاد داده بودند.

ما به پدیده زندانی سیاسی بشکل عام نظر داریم. زندانی سیاسی عقیدتی را آنطور دیگر تعریف می کنیم اما و اما از تمامی اقدامات افشاگرانه قربانیان جنایات دهه شصت نیز بی دریغ حمایت کرده و خواهیم کرد.

### **برگردیم به سی و اندی سال قبل - چکیده:**

سازمانهای چپ و از جمله سازمان فدائی اگر چه با انسجام کافی شکل نگرفته بودند اما با اتکا به مبارزات رادیکال خود علیه نظام پادشاهی سرنگون شده و نفوذ خود در میان لایه های روشنفکر جوان و طیف دانشجویی و آرمان خواهی پوپولیستی خود از رشد قابل ملاحظه ای برخوردار شده بودند.

مناسبات تک حزبی پهلوی و فقدان تجربه حزب و سلطه دهها ساله دیکتاتوری مانع از آن بود که طیف روشنفکری با دمکراسی و ساختمان حزبی آشنائی عملی داشته باشد.

رشد سازمانها که سازمان فدائی نیز جزئی از آن بود خواسته یا ناخواسته بر ارتباطاتی دمکراتیک در داخل تشکل ها استوار نبود.

سرعت این رشد و گسترش در میان مردم و بویژه جوانان رخت هماهنگی میان دانش ساختار تشکیلاتی را به رهبران این تشکلهای نمی داد. در نتیجه این گسترش نه در عرض که در ارتفاع صورت می گرفت. بسیاری از اعضای سازمان فدائی و بخصوص در شهرستانها یا بی ارتباط با تشکیلات بودند و یا بطور خودبخودی هسته های فدائی را تشکیل میدادند. در تعدادی از خاطرات زندانیان سیاسی این امر مستتر است. سانترالیزم دمکراتیک هم که امروزه از سوی بسیاری از نهادهای سیاسی نقد میشود در طی آن سالها آرزویی دست نیافتنی بود. این معضل یکی از دلایل شکل گیری پدیده ای بنام ریزش سازمانها و پیدائی طیف منفرد سیاسی بوده است.

طیف منفرد سیاسی بلحاظ تعلق خود به ارتباطات دمکراتیک گامی جلوتر از تشکلهای سیاسی باقیمانده برداشته است. ارتباطات دمکراتیک در سازمانهای موجود چپ هنوز بعنوان یک تابو موجود است.

### همه چیز از اینجا شروع شد که:

فرهنگ سازمانی بعنوان ربنای حاکم بر ارتباطات داخلی و متناسب با ساختار آن از بالا به پائین شکل میگرفتند و شرایط سرکوب وحشیانه رژیم در شهر ها و روستاها امکانی برای انتشار آلترناتیو دمکراتیک ساختاری و فرهنگی در مناسبات داخلی تشکل ها در اختیار آنها قرار نمیداد. حفظ جان و تشکیلات در بستری از مخفی کاری الزامی مجالی برای گسترش روابط دمکراتیک تر نمی گذاشت. توجه داشته باشیم که هر گونه مناسبات تشکیلاتی الزاماً و در امتداد تبلیغ و ترویج درونی خود فرهنگی متناسب با ساختار سازمانی خواهد داشت.

مختصات این فرهنگ چه میتواند باشد؟ جنبش چپ در سیمای سازمان فدائی با آرمان سلاح مقاومت مبارزه حماسه و شهادت و ... مفاهیمی از این قبیل تشخص مییافت. هم از اینرو جذابترین سازمان چپ در میان لایه های دانشجویی و روشنفکری بود. تفکر چریکی این نیرو نمیتوانست در تشکیلات سازمانی آن ردپای خود را بجای نگذارد. اگر در گروه های عملیاتی مفاهیمی بنام فرمانده گریز ناپذیر بود بهمان نسبت در درون ارتباطات تشکیلاتی مسئول و زیر رابطه آن را بازتاب می دادند. سانترالیزم دمکراتیک مفهومی همه پسند در ارتباطات درونی مقبول می افتاد. نقد مفهومی بنام برخورد از بالا

از همان دیر باز و در این مناسبات مکرر طرح می شد. دستور تشکیلاتی مقدس بود و خاطی مورد مجازات قرار می گرفت. ابتدا با خم ابروی مسئول بالاتر و سایر ارتباطات روبرو میشد. به انتقاد از خود!! تشویق میشد. افراد ناخلف موظف میشدند تا وظایف خود و امکانات تشکیلاتی خود را تحویل دهند. بندرت و بمرور از چارت تشکیلاتی خود

حذف میشدند و ارتباطات ناپدید می شدند. واژه دهان پر کن سانترا لیزم دمکراتیک ابزار  
له کردن انتقادات و دگر اندیشی در این مناسبات بود.

حقیقت بعدی چه بود؟

ادامه دارد